

حلول شر در ابژه‌های فرهنگی

مطالعه موردی اینترنت در قالب تحلیل شبکه اجتماعی فیس بوک¹

حامد طاهری کیا²

تاریخ دریافت: 1391/7/5، تاریخ تایید: 1391/9/26

چکیده

ابژه‌ها چگونه محملی برای حضور شر می‌شوند؟ چگونه می‌توان در مورد زندگی شیطانی اشیاء اندیشید؟ در مقاله حاضر ما این پرسش را به بحث می‌گذاریم و پس از طرح نظریات مرتبط، به مطالعه موردی اینترنت و فیس بوک در ایران می‌پردازیم در این مقاله سه امر وابستگی انسان به ابژه‌ها، مفهوم تقلید به مثابه امر اجتماعی و مفهوم شر و چگونگی حلول آن مورد بحث قرار می‌گیرد. سپس با روش اسنادی فرایند مسأله‌مند شدن اینترنت تحلیل می‌شود. نتیجه این بوده است که اینترنت در ایران با سه گونه هویت شیطانی بازنمایی شده است: اول این‌که ابزاری است برای جاسوسی دشمن، دوم آنکه ابزار اغتشاش نام گرفته است و آخر اینکه عامل ظهور فحشا و فساد اخلاقی است.

کلیدواژه‌ها: شبهه - ابژه، شبهه - سوژه، شر، زندگی روزمره، اینترنت پاک.

1. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد از دانشگاه علم و فرهنگ، به راهنمایی آقای دکتر عباس کاظمی و مشاوره دکتر محمد رضایی نوشته شده است. در این رابطه به طور ویژه می‌باید از همپاری و همفکری آقای دکتر عباس کاظمی تشکر داشت که بدون وجود ایشان فرایند این مقاله قابل انجام نبود و همچنین آقای دکتر رضایی نیز که به عنوان مشاور این مقاله را همراهی و نقش اساسی را در آشنایی من با چهارچوب نظری مطرح شده در مقاله داشته‌اند.
2. کارشناس ارشد رشته مطالعات فرهنگی.

Kia.erhut@yahoo.fr

مقدمه

پرسش از زندگی اجتماعی اشیاء، سوالی جدید نیست. آپادورای پیش از این در باب حیات خاص اشیاء در پیرامونمان سخن گفته است. اشیاء چگونه در کنار ما و با توجه به شرایط فرهنگی هر جامعه می‌زیینند؟ اما سخن از زندگی شرارت بار آنان حدیثی دیگر است و به نسبت متاخر می‌آید. بر مبنای این پرسش، آیا اشیاء نیز همانند آدم‌ها به دوست و دشمن تقسیم می‌شوند. چگونه می‌توان تاریخ شرارت اشیاء را روایت کرد؟ و چگونه می‌توان از حلول روح شیطان در کالبد اشیاء سخن گفت؟ چرا و چگونه شکلی از پوشش با غریزدگی معنا می‌شود؟ چه می‌شود که کراوات در جبهه ضد انقلابی و ضد دینی جای می‌گیرد؟ چرا ویدئو در مقطعی نماد کلیت تهاجم فرهنگی و ابزار تسخیر دشمن در بطن فرهنگ تصور می‌شود؟ چگونه برخی چیزها محمل شیطان و برخی دیگر چیزها (سنج، زنجیر، لباس سیاه و...) با امر مقدس متصل می‌شوند. مقاله حاضر حول این پرسش‌ها سامان یافته است و به بحث در باب نظریه‌هایی می‌پردازیم که می‌توانند به این سوال پاسخ دهند. بعد از بدست دادن چهارچوب نظری مورد نظر به مسئله‌ی حضور ابژه‌ی فرهنگی فیس بوک در رابطه با کاربران ایرانی در قالب تحلیل متون، مصوبه‌ها، سخنرانی‌ها و گفت و گوهایی می‌پردازد که چگونه این ابژه در کنار کاربران در تحلیل‌ها تبدیل به محملی برای حلول شر و گناهی می‌شوند که به سمت به هم ریختن نظم سیستم حرکت می‌کنند. اهمیت این مقاله از آنجایی است که به مطالعه سیستمی از ترکیب انسان و غیر-انسان‌ها می‌پردازد که به نظریه پسا-انسانی مربوط می‌شوند. از این منظر داشتن تحلیلی این‌چنینی از فضای فرهنگی ایران می‌تواند دریچه‌ای نوینی را برای تفسیر مسائل بر روی ما بگشاید.

مسأله‌مند شدن ابژه‌های فرهنگی: رویکردی نظری

بژه‌ها چگونه در زندگی روزمره ما اهمیت پیدا کردند و به موازات قدرت یافتن و اهمیت پیدا کردن شان چگونه زندگی را با مسائل جدید روبرو کردند و چگونه در برخی برهه‌ها خود به مسئله بدل شده‌اند؟ در این رابطه رجیز دبری¹ یکی از متفکران حوزه ی مطالعات تکنولوژی معتقد است که: «سرگذشت ابزارهای ما [همراه هستند با] آرزوها و امیدهای ما» (به نقل از پپولیا²، 2002: 2). اکنون با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیک دیگر نمی‌توان بدون در نظر گرفتن نقش غیر-انسان‌ها³ (اشیاء و چیزها) در تشکیل خرده فرهنگ‌ها و تغییرات اجتماعی

1. Regis Debray

2. Papoulias

3. Non-Human

تحلیل دقیقی ارائه داد. در نتیجه می‌بایست رویکردی را در پیش گرفت که به دو عامل بپردازد: اول، بدون حضور ابژه‌ها یا غیر-انسان‌ها یک خرده فرهنگ یا «ما»ی انسانی شکل نمی‌گیرد و دوم اینکه می‌باید به این سؤال پاسخ داد که به واقع یک «ما»¹ چیست؟ و برای این منظور می‌بایست به سراغ میشل سرس² فیلسوف معاصر فرانسوی برویم.

در تفکر سرس مفهوم نوینی از سوژه‌های اجتماعی بدست می‌آید. او سوژه‌های اجتماعی تجربه گرا را «شبه-سوژه»³ می‌نامد که در کنار «شبه-ابژه»⁴ها (سرس، 1982: 225) مفهوم پیدا می‌کنند.⁵ سرس معتقد است که:

«... پیوندهای اجتماعی وقتی تنها بین سوژه‌ها باشند مانند ابرها زودگذر خواهند بود. در حقیقت ابژه‌ها... روابط ما را مستحکم و زمان تحولات ما را کند می‌کنند. برای جماعتی از شانپانزه‌ها تغییرات اجتماعی تنها شکلی از بی‌نظمی محسوب می‌شوند. در نتیجه تاریخ آن‌ها مملو از تاریخ نامعین و لحظه‌ها هست. [اما بر عکس] برای ما ابژه‌ها تاریخمان را کند می‌کنند» (سرس، 1982: 87).

برای فلسفه میشل سرس سؤال مهم این است که مفهوم «ما» به چه کسانی اشاره دارد؟ (سرس، 1982: 225) بنظر او «این شبه-ابژه وقتی در بین افراد حرکت می‌کند یک مجموعه [از ما] را می‌سازد و هنگامی که باز می‌ایستد فردیت یا یک فرد را مشخص می‌سازد» (همان: 225). در اینجا سرس شبه-ابژه را که معادل یک غیر-انسان است وارد تعاملات زندگی روزمره انسان می‌کند و این بر خلاف جامعه شناسی کلاسیک هست که «هیچ‌داشته تا عوامل غیر-اجتماعی و غیر-انسانی را با روش سخت‌گیرانه‌ای از تحلیل‌ها خارج سازد» (شیللمیر⁶، 2009: 88).

همانطور که بیان شد، در فلسفه سرس امر اجتماعی جدا از غیر-انسان‌ها نیست بلکه در گردش شبه-ابژه‌ها در بین شبه-سوژه‌هاست که مفهوم یک «ما» به هم پیوند می‌خورد. برای روشن‌تر شدن بحث او برای ما مثالی می‌زند:

«توپ [فوتبال]، ابژه‌ای معمولی نیست بلکه چیزی است که یک سوژه آن را در بر می‌گیرد، توپی که روی زمین است به خودی خود چیزی نیست... [چرا که] به تنهایی بازی نمی‌شود و کسانی که به تنهایی بازی می‌کنند و آن را به تنهایی در بر می‌گیرند بازیکنان بدی به حساب می‌آیند یا خودخواه خوانده می‌شوند که هر چه زودتر می‌بایست زمین بازی را خالی کنند. جمع به فرد احتیاج ندارد که برای خودشان باشند... کسانی که توپ را برای خودشان صاحب

1. We

2. Michel Serres

3. Quasi Subject

4. Quasi Object

5. در جایی دیگر عنوان می‌کند که: «شبه-ابژه یک ابژه نیست، از آنجایی که یک سوژه دیگر یک سوژه نیست... و شبه-سوژه وجود دارد از آنجا که تنها در حالتی صحبت از سوژه را داریم که بدون [ابژه] آن دیگر یک سوژه نیست» (سرس، 1982: 225).

6. Schillmeier

می‌شوند به عنوان یک بازیکن بد به حساب می‌آیند. توپ برای فرد خاصی آنجا نیست بلکه برعکس، فرد ابژه‌ی توپ است؛ بازی در خودش چیزی نیست مگر اینکه در آن پاس دادن توپ به عنوان یک امر اصلی به حساب آید. قانون‌ها در مورد آن نوشته می‌شوند، تا چیزها را نسبت به آن مشخص کنند و ما را به رعایت این قوانین فرا می‌خوانند... توپ درست همانند یک شبه-ابژه می‌چرخد. تیمی که سریع‌تر آن را پاس و حرکت دهد بهتر است... توپ سوژه‌ی چرخش است، بازیکنان تنها موقعیت‌ها و حالت تعویض کننده دارند. توپ می‌تواند شاهده‌ی بر حالت تعویض کنندگان باشد... در بیشتر بازی‌ها، انسان با توپ در حالت متجاوز و آزار دهنده قرار دارد. تمام دفاع‌ها در رابطه با او و موقعیتش قرار می‌گیرند. با کمی استثنا تنها کسی که تکل می‌کند کسی است که توپ را صاحب می‌شود... در نتیجه هر چه بیشتر توپ جابجا شود حالت جانشین‌ها بیشتر می‌شود و جمعیت بیشتر نفس زنان باقی می‌ماند. توپ به جلو و عقب زده می‌شود و جمعیت را به حرکت می‌آورد» (سرس، 1989: 227-225).

چنانکه آمد، هر «مایی» از «من»ها تشکیل شده است و شبه-ابژه‌ها به عنوان امر پیوند دهنده مجموعه را به حرکت در می‌آورند. «شبه-ابژه‌ها نشان دهنده سوژه هستند... و از خلال آن‌هاست که ما می‌فهمیم چه زمانی سوژه و چه زمانی دیگر سوژه نیستیم. مفهوم «ما» به راستی چه معنی می‌دهد؟ «ما» دقیقاً مجموعه‌ای از جلو و عقب رفتن یا حرکتی موج وار از «من» می‌باشد. «من» نشانه‌ای است که در بازی مورد تبادل قرار می‌گیرد و این عبور، این شبکه از عبورها... مجموعه را به حرکت می‌آورند... «ما» از انفجار و نهان ساختن «من» تشکیل می‌شود. «ما» با گذار و عبور «من»، با تبادل و به وسیله جانشینی آن‌ها تشکیل شده است» (سرس، 1989: 8-227).

سرس معتقد است که آنچه «من» را در مجموعه بوجود می‌آورد در حقیقت چرخش شبه-ابژه و صاحب شدن آن به وسیله‌ی فرد بازیگر است. با توجه به چرخش شبه-ابژه و مشخص ساختن «من» در کلیت مجموعه می‌توان اعلام داشت که «بیشتر مجموعه از گذار و عبور «من» می‌باشد تا مجموعه ای/ایستا/ از آن‌ها» (همان: 228). شبه-ابژه‌ها چیزهایی‌اند که در مرکز جمع قرار می‌گیرند و بر اساس گردش آن‌ها در بین افراد شکلی از رمز گذاری بر آن بنا می‌شود و در بین جمع حالت مرکزی پیدا می‌کنند اینجاست که سرس بیان می‌دارد بدون وجود شبه-ابژه‌ها پیوندهای انسانی شکل یافته در یک مای محلی به سرعت ابرها زود گذار و لحظه‌ای‌اند (سرس، 1995: 87). ابژه‌ها وقتی برای جمع بار مفهومی پیدا می‌کنند نوعی از کنشگری را به میان می‌آورند.

ابژه‌ها ابزارهایی‌اند که بعد از بوجود آمدن دیگر ابزار نیستند بلکه شرط اصلی رسیدن به مقصود هستند به همین علت در طول تاریخ ابژه‌ها مدام در حال تغییر و تحول می‌باشند. از این باور وقتی ابژه‌ها در روابط اجتماعی به چنین درجه کنشگری می‌رسند آن‌ها تبدیل به شبه-ابژه می‌شوند یعنی چیزهایی که قدرت تاثیر بر کنش را از خود نشان می‌دهند. یک انسان به تنهایی

و به دور از روابط با شبهه- ابژه‌ها تنها بدن خود را دارد و این برای اختلال در نظم سیستم بیش از اندازه کم است. حتی به آتش کشیده شدن یک انسان توسط خودش برای اعتراض به وضع موجود احتیاج به شبهه- ابژه‌هایی چون بنزین و کبریت دارد و از همه مهمتر شبهه- ابژه‌هایی که بتوانند این اعتراض وحشتناک انسانی را برای انعکاس در رسانه‌ها ثبت کنند. در نتیجه ایده‌ها در میانجی‌گری شبهه- ابژه‌ها به عرصه اجتماعی می‌رسند اما برای فعال شدن و بوجود آوردن زمینه‌های تغییر می‌باید توسط کنشگران مورد توجه و تقلید قرار گیرند. سازوکار تقلید در این مفهوم یکی از مهمترین شروط مسئله‌مند شدن شبهه- ابژه‌ها در روابط سیستم می‌باشد. از این باور یکی از مهمترین افرادی که می‌تواند مفهوم تقلید در این بحث را برای ما روشن کند گابریل تارد است.

بر مبنای تفکر تارد بسیاری از تغییرات اجتماعی در جامعه به «نوآوری و خلاقیت» نیاز دارند «... هر چه افراد بیشتر با یکدیگر در تماس باشند این احتمال بیشتر است چیزهای نوین خلق شوند... نوآوری‌ها باعث می‌شوند که فرایند پدیده‌های اجتماعی تغییر یابند و به مردم کمک می‌کنند تا خود را با محیط وفق دهند» (کینونی¹، 1996: 433). «تارد تقلید را بر اساس یک پدیده‌ی اجتماعی مطالعه نمی‌کند که از دیگر فعالیت‌ها در طبیعت به دور باشد. به طور فلسفی تارد تقلید را به عنوان قسمتی از قانون تکرار جهانی در نظر دارد... تقلید تنها یک حالت از فعالیت‌های هستی است که از تکرارهای بی‌پایان در بین طبیعت، از گردش شب و روز، مرگ و زندگی و فصل‌ها نشئت می‌گیرد» (کینونی، 1996: 433). «هر پدیده‌ای در روابط انسانی اجتماعی، نشان تقلید را بر خود دارد» (تستی²، 1987: 4) وقتی ایده‌ای نوین در میانجی‌گری شبهه- ابژه‌ها در عرصه اجتماعی به ظهور می‌رسد در طول زمان و مصرفی که از آن می‌شود مورد تقلید قرار می‌گیرد. این تقلید باعث می‌شود تا ایده و شبهه- ابژه‌ای که به آن ضمیمه شده است از یک فضایی محلی آرام آرام به کلیت سیستم سرایت پیدا کنند، چیزی همانند یک بیماری واگیر دار. در نتیجه «در طول تاریخ فرم‌های سنتی با خلاقیت‌های امور معاصر مورد چالش قرار گرفته‌اند» و «بر مبنای الگوهای برآمده از سنت و یا مدها، تاریخ تمدن همواره به دو بخش بین حوزه مسلط سنت و تقابل با مدها شکل گرفته است» (میلت³، 1972: 495).

از آنچه آمد این برداشت می‌شود که، گابریل تارد پدیده‌ی اجتماعی را در فرایند «نوآوری و تقلید» مفهوم پردازی می‌کند (همان: 474).

یک گروه اجتماعی در ابتدا با یک ایده یا اندیشه آغاز می‌شود. در اولین مرحله، ذهن فرد خلاق، پروسه‌ی تولد یک ایده را ایجاد می‌کند. در مرحله دوم، در رابطه با آن ایده امکانات گردآوری

1. kinnunen

2. Tosti

3. Milet

می‌شوند و فرایند جذب شدن سوژه‌ها شکل می‌یابد. در مرحله‌ی سوم نهادهای اجتماعی با متصل‌سازی گروه‌های مختلف باعث ثبات نوآوری‌ها می‌شوند و شکل پیچیده‌ی نوآوری بر ملا می‌شود. این دوره‌ای است که قوانین و پارادایم‌ها شکل می‌یابند و در این فرایند آن‌ها ادامه پیدا می‌کنند تا دوباره به وسیله‌ی یک نوآوری نوین دیگر مورد تحول قرار بگیرند (تستی، 1987: 498).

باید گفت که، هیچ‌گاه ایده‌ای در خلاء صورت نمی‌یابد بلکه دارای یک چهارچوب تاریخی و انضمامی است. این تاریخ موجود در ادبیات فلسفه و علوم اجتماعی به مفاهیم ایدئولوژی، هژمونی، میدان و گفتمان تعبیر شده‌اند که ما در اینجا این تاریخ محدود ساز را به تبعیت از تارد «گرامر خاص رفتاری¹» می‌نامیم. «در لایه‌ی زیرین چشم اندازهای اخلاقی، زیبایی‌شناسانه و قوائد اقتصادی ما چیزی را پیدا می‌کنیم که می‌تواند دین، قضاوت، صنعت و یا یک دستور العمل را دوره بندی نماید..... افسانه‌ها با عقاید دینی مطابقت می‌کنند، امور واقع با تئوری بیان می‌شوند، تولیدات هنری جوابی هستند به یک محدوده‌ی فرمول شده و یا جرم‌ها بر اساس مشروعیت و قانون‌سازی می‌باشند» (همان: 497). این‌ها نمونه‌هایی‌اند که بر اساس مفهوم تارد، «گرامر خاص رفتاری» در آن‌ها یافت می‌شود. به نوعی منظور تارد از این مفهوم قراردادی است که در بین روابط سیستم وجود دارد و به عنوان امر ضروری ضامن‌کننده نظم است. در نتیجه تقلیدی که با روبه افزایش گذاشتن خود باعث به هم ریختگی و اختلال در نظم حاکم بر روابط سیستم می‌شود تقلیدی است که در پی حضور خود ابژه‌های نوینی را در سیستم مورد گسترش قرار می‌دهد و باعث اختلال در نظم سیستم می‌شود. تقلید ایده و شبهه - ابژه‌ای که به آن وصل شده است وقتی در تقابل با ارزش‌های سیستم قرار می‌گیرند یک شر را بوجود می‌آورند اما این سؤال ایجاد می‌شود که شر چیست؟ برای پاسخ به این مفهوم به سراغ فلسفه لایبنتس می‌رویم.

لایب نیتس شر را در سه مفهوم دسته بندی می‌کند: «شر مابعدالطبیعی، طبیعی و اخلاقی..... شر طبیعی عبارت است از زیان، و شر اخلاقی عبارت است از گناه» (صانعی دره بیدی: 417). شر مابعدالطبیعی به شکل دو شر طبیعی و اخلاقی بروز پیدا می‌کند. «نمی‌توان انکار کرد که در جهان شر اخلاقی و شر طبیعی وجود ندارد. شر طبیعی از قبیل زیان‌ها و شر اخلاقی از قبیل گناهان است.....» (همان: 418).

دقیقا این دسته بندی جایی است که به تبیین حلول شر در ابژه‌های فرهنگی خواهد رسید. ایده‌ها برای این‌که در روابط زندگی روزمره به تجربه برسند می‌بایست به میانجی ابژه‌ها خود را به آشکار و متجلی سازند. وقتی ایده‌ها به شبهه - ابژه‌ها متصل می‌شوند اگر در تقابل با گرامر رفتاری شرایط حاکم بر سیستم باشند مفهوم حلول شر مصداق پیدا می‌کند. در این رابطه و

1. Grammatical liver

براساس فلسفه لایبنتس ایده‌ها به شر اخلاقی باز می‌گردند که گناه را مرتکب می‌شوند و شبه-ابژه‌ها به شر طبیعی که به نظم سیستم ضرر و زیان وارد می‌کنند. در حقیقت آنجایی که شبه-سوژه‌ها در ایده‌هایشان دست به گناه می‌زنند شبه-ابژه‌ای که در رابطه با آن به مصرف می‌رسد برای سیستم زیان آور بوده است. هیچ‌گاه این مسئله بیان نمی‌شود که در کشتن فردی یک اسلحه گناه کار است بلکه شبه-سوژه‌ای که ایده این کار را داشته و آن‌را به کار برده گناه کار است اما از این به بعد قانونی تعیین می‌شود که بر اساس آن حمل اسلحه جرم است چون حمل آزاد آن به امنیت و نظم سیستم ضرر و زیان وارد می‌کند و در نتیجه اعتبار قدرت سیستم را به زیر سؤال می‌برد. در حقیقت ارزش‌ها و گرامر خاص رفتاری که در میان سیستم یا خرده فرهنگ‌های آن قرار دارد شر را تعیین و به جمع معرفی می‌کنند.

نظم در هر سیستمی جزء لازمه نگهداری و مرتبط دهنده اجزاء سیستم هست. این نظم امر ضروری حیات سیستم می‌باشد چون آشوب، بقاء آن‌را با مخاطره مواجه می‌کند. در برابر حفظ نظم همواره این مسئله وجود دارد که چگونه می‌توان در نظم موجود تغییراتی را ایجاد کرد و امکان ایده‌های نوین را فراهم کرد. در این راستا ایده‌هایی که نظم سیستم را تحدید نمی‌کنند مسئله آفرینی کمتری دارند تا ایده‌هایی که از همان ابتدا در راستای مخالفت با نظم جاری می‌باشند. ایده‌ها چون گلوله برفی هستند که در روابط اجتماعی وقتی شروع به حرکت می‌کنند مدام بزرگ و بزرگتر می‌شوند به طوری که نظم را مورد چالش قرار می‌دهند. این حرکت گلوله برف‌وار همان تقلید است. تقلید، یک ایده را بعد از تحقق پیدا کردن در روابط اجتماعی بزرگ و بزرگتر می‌سازد و با افزایش مقلدان هست که سیستم نسبت به شیوع هویت‌های جدید در اجتماع و فرهنگ حساس می‌شود و زنگ خطر را به صدا در می‌آورد.

حساسیت به نظم و آشفتگی در نظم اجتماعی مدت زمانی است که یکی از مسائل مورد اهمیت ایران شده به طوری که در مورد آن ادبیاتی امنیتی تولید شده است. وقتی به فیلتر شدن شبکه‌های اجتماعی در اینترنت برای کنترل کاربران در ایران می‌پردازیم به این نتیجه می‌رسیم که شبکه‌های اجتماعی شبه-ابژه‌هایی هستند که با فیلتر شدن آن‌ها کاربران دیگر نمی‌توانند به راحتی ایده‌های متضاد با نظم سیستم را به اجرا و به تجربه جمعی درآورند. ایده‌هایی چون پخش کردن اطلاعات، بارگذاری عکس‌های نامتعارف و روابط نامشروع پیدا کردن در شبکه‌های اجتماعی مجازی نمونه‌هایی هستند که ایده‌های متناقض با نظم سیستم در ایران را گسترش می‌دهند. وقتی عضویت در این شبکه‌های اجتماعی مورد تقلید بسیار از کاربران قرار گرفت و آن‌ها به مرور آنقدر زیاد شدند سیستم آرام آرام نسبت به این جمعیت در حال شکل‌گیری، ایده‌ها و شبه-ابژه مشترکی که به اشتراک و مصرف می‌رسانند حساسیت پیدا کرد. به همین علت شبکه‌های اجتماعی مجازی و اینترنت به طور کلی و یکباره مورد سانسور قرار نگرفتند و

در یک دوره زمانی تدریجی، سیستم متوجه پتانسیل‌های اختلال برانگیز آن‌ها شد. ما در این مقاله با سه مفهوم به هم پیوسته ایده‌ها، شبهه‌ها و فرایند تقلید می‌خواهیم از مسئله‌مند شدن شبکه‌های اجتماعی و اینترنت در ایران تحلیل دقیق‌تری را بدست دهیم.

روش تحقیق

در جهت تبیین مسئله از روش کیفی استفاده شده است. علت استفاده از روش کیفی با توجه به موضوع مقاله بر این مبنا هست که مفهوم شر به شکل برجسته‌ای از طرف گفتمان مسلط بر امور خلاف نظم جمعی زده می‌شود. در نتیجه ریشه‌های این مسئله را باید در بخش‌هایی جستجو کرد که به تشکیل شدن قوانین و مشروعیت فکری مورد نیاز برای مبارزه با حلول شر در سطح اجتماع اشاره دارند. برای نزدیک شدن و تفسیر کردن این نیت و تعاملی که بر اساس آن شکل می‌گیرد روش کیفی (استراوس، 1390: 32) مناسب‌ترین رویکرد برای تبیین مسئله می‌باشد. روش کیفی به مفهوم پدیدار شناسی¹ ارتباط نزدیکی پیدا می‌کند (جوپ²، 2006: 249). به بیانی، از طریق روش کیفی ما به خصوصیتی از مصرف شبهه اینترنت و فضاهای مجازی در ایران دست پیدا خواهیم کرد که به شکلی از پدیدار شناسی شرگونه آن منجر می‌شود.

نمونه‌هایی که در این تحلیل به کار گرفته شده‌اند به طور تدریجی و بر اساس «نمونه‌گیری نظری» (فلیک، 1388: 138) بدست آمده‌اند. در این نوع نمونه‌گیری، نمونه‌ها مستقیماً در سطح اشخاص و نهادهای معینی انتخاب شده‌اند که به مسئله‌مند بودن اینترنت اشاره داشته‌اند. بر طبق چهارچوب نظری مفهوم شر در برابر نظم جمعی قرار می‌گیرد و حافظ نظم جمعی گفتمان مسلط هست. گفتمان مسلط شامل نهادها و اشخاص معینی هست که در قالب سخنرانی‌ها، قوانین، تشکیل نهادها و تبصره‌ها به تبیین و تفسیر اموری می‌پردازند که حاوی پتانسیل بر هم زدن نظم جمعی هستند. در این مقاله، یکی از نمادهای بارزی که به تعبیر گفتمان مسلط عامل برهم زنده نظم جمعی در نظر گرفته شده است اینترنت می‌باشد. در نتیجه، در انتخاب نمونه‌ها میدان تحقیق یا جامعه آماری اسناد و مدارک زیر را شامل می‌شوند:

- کلیه گزارشات رسانه‌های مکتوب که در فضای مجازی یا در مطبوعات.
- کلیه مصاحبه‌هایی که مدیران و مسئولین مرتبط در رسانه‌ها انجام داده‌اند.
- مصوبات سازمان‌های مرتبط چون نیروی انتظامی، وزارت ارشاد و شورای انقلاب فرهنگی و صدا و سیما و سایر نهادهای فرهنگی دینی در کشور.

1. phenomenology
2. Jupp

- کلیه واکنش‌های مسئولین مربوط در خصوص حوادث مرتبط با این موضع در رسانه‌ها.

بر اساس این میدان‌ها، جمع‌آوری داده‌ها به علت گستردگی، پراکندگی و اینکه ما بازه زمانی دهه هشتاد را در نظر داشتیم و مقداری از مصاحبه‌ها و گفت و گوها در آرشیو روزنامه‌ها و منابع مربوطه دیگر یافت نمی‌شدند، جستجوی اینترنتی در رابطه با میدان‌های مربوطه به عنوان بهترین راه حل به نظر می‌رسید. از بین متون مربوطه نمونه‌ها به طور تدریجی و براساس نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند.

این نمونه‌ها بعد از خوانش دقیق و موارد موضوعی که متون به آن‌ها اشاره داشتند به چهار بخش تقسیم‌بندی شدند: هویت‌های نامتعارف شکل گرفته در فضای مجازی، جاسوسی و تبادل اطلاعات و خبر رسانی، شکل گرفتن فحشا و بی‌بند و باری در فضای مجازی و بخشی که به بوجود آمدن نهاد شورای عالی فضای مجازی را به عنوان مهمترین فضا در بر می‌گرفت.

در تحلیل اسناد ما از روش گزارش کیفی سود جستیم. در روش گزارش کیفی از «توضیح عمیق»¹ استفاده می‌شود. استفاده از تئوری و نقل قول‌هایی که باعث می‌شود تا از واقعیت تداعی بهتری را پیدا کنیم. آنچه مرکز اصلی گزارش را شکل می‌دهد بر اساس سبک نگارش می‌تواند شکل‌های گوناگونی را به خود بگیرند.² از این طریق نوشتن یک گزارش کیفی به ظهور ایده‌های نوین از نگرستن به اطلاعات منجر می‌شود و بدین ترتیب نقش اساسی را در فرایند تجزیه و تحلیل بوجود می‌آورند.³ نوشتن گزارش کیفی شیوه‌های متفاوتی دارد؛ چیزی که اینجا استفاده شده مدل تفسیرگرایانه⁴ است که به واسطه نقل قول‌ها مستند می‌شود. ارزش درست بودن⁵ نتیجه‌گیری تحقیق براساس گزارش کیفی و تفسیری است که از آن بدست می‌آید. در نتیجه هرچه این تفسیر عمیق صورت بگیرد بیشتر می‌توان از حقانیت تحقیق دفاع کرد. از مطالب بدست آمده حلول شر نه تنها در انسان‌ها بلکه در اېژه‌ها نیز صورت می‌گیرد و این مسئله نه تایید یک امر بدیهی بلکه حقانیتی است از گسترش و کارایی اېژه‌ها در چرخش‌های فرهنگی که در تحقیق‌های صورت گرفته این مسئله نه به عنوان یک موضوع مستقل قابل بررسی و با چهارچوب نظری مشخص بلکه بیشتر به عنوان یک پیش فرض بدیهی در نظر آورده شده است. از دیگر جهات ارزش درستی این تحقیق تاثیر آن بر محقق⁶ هست که

1. Thick Description

2. <http://www.aect.org/edtech/ed1/40/40-04.html> 3/8/2001

3. http://www.nswphc.unsw.edu.au/pdf/ShortCourseApr2007/Writing%20up%20qual%20findings_April%2007_VT.pdf

4. Interpretative Model

5. VALIDITY

6. Reflexivity

انگیزه روند نتیجه‌گیری را در راستای اثبات حقانیت تحقیق رو به جلو می‌برد (جوپ، 2006: 311).

فرایند مسأله‌مند شدن شبهه - ابژه اینترنت و شبکه‌های مجازی

اینترنت در ایران حیاتی 20 ساله یافته است. از زمانی که دانشگاه صنعتی شریف توسط مرکز تحقیقات فیزیک نظری به اینترنت وصل شد و تاکنون که بیش از 8 میلیون کاربر در ایران از آن استفاده می‌کنند دو دهه گذشته است. بنظر می‌رسد در بدو امر، درک روشنی از مشکل‌دار بودن اینترنت در ایران وجود نداشته است و از این رو اینترنت برخلاف ماهواره با خیال آسوده‌تری به جامعه ما پا گذاشته است. اما در کمتر از یک دهه، اینترنت به عنوان شبهه ابژه به جایگاه بالقوه‌ای برای حلول شیطان بدل شد. در طول همین سال‌ها به تدریج این مناقشات در مطبوعات در گرفت که اینترنت نیز به اندازه و بلکه بیش از ماهواره خطرناک است و نباید از آن غافل باشیم. اولین واکنش در برابر این شیطان، با ابزار فیلترینگ ممکن گردید.

جنگالی‌ترین بحث سال 1384 در زمینه اینترنت در ایران اجرای سیاست فیلترینگ سایت‌های اینترنتی غیر مجاز و خلاف موازین اخلاقی و اسلامی بود که سر و صدای زیادی به پا کرد. مسدود شدن‌هایی که با هدف جلوگیری از دسترسی کاربران به وبگاه‌های مغایر با قوانین و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران از سوی شرکت مخابرات ایران صورت می‌گیرد؛ از ابتدای ورود اینترنت به ایران آغاز شد. تا سال 88 در صورت وارد کردن نشانی یک وبگاه فیلتر شده، پیغامی نزدیک به این عنوان ظاهر می‌شد: «مشترک گرامی! دسترسی به این سایت امکان‌پذیر نمی‌باشد». از ابتدای سال 1389 به جای پیغام قبلی صفحه‌ای جایگزین شد که ضمن اعلام فیلتر شدن نشانی مذکور به کاربران توصیه می‌کرد به وبگاه‌های دیگری که در آن صفحه معرفی شده‌اند مراجعه کنند.¹ وبگاه تابناک (یکی از وبگاه‌هایی که برای بازدید توصیه شده بود) به شدت از راه‌اندازی این سیستم حمایت کرد و نوشت:

«با به کارگیری نرم افزار جدید فیلترینگ سایت‌های ضد اخلاقی و مختلف کشور، صفحه‌ی فیلترینگ این سایت‌ها نیز تغییر کرده است. این نرم افزار جدید فیلترینگ در راستای جنگ نرم و مقابله با توطئه‌های دشمنان کشور به خصوص در حوزه‌ی سایبر صورت گرفته است.»²

1. علیرضا شیرازی مدیر سایت‌های بلاگفا و پارسیک در نقدی از صفحه‌ی جدید فیلترینگ در وب‌نوشت خود چنین می‌گوید: «از ابتدای سال 19 کاربران ایرانی شاهد تغییراتی در صفحه فیلترینگ بودند. در صفحه جدید علاوه بر نمایش پیامی درباره عدم دسترسی به سایت درخواست شده پیام تبریک سال تو نیز نمایش داده می‌شود و اما مهمترین بخش این صفحه جدید نمایش لینک دهها سایت ایرانی است. به نظر می‌رسد که طراحان صفحه جدید فیلترینگ به نوعی قصد حمایت از سایت‌های ایرانی را دارند و احتمالاً قصد دارند که کاربر ایرانی را که به دلایلی قصد مشاهده سایتی فیلترشده را داشته دعوت به استفاده از سایت‌های مفید ایرانی کنند. اما آنچه در صفحه جدید فیلترینگ صورت گرفته‌است به دلایلی که در ادامه اشاره خواهد شد به نوعی حقوق کاربران و مدیران سایت‌های ایرانی را نقض کرده است.»

2. <http://horman.ir/?p=3821> 1389/1/10

در نهایت در سال‌های آتی از مراجع تقلید فتاوی در مورد حرام بودن شبکه‌های مجازی اینترنتی گرفته شده است که محتوای آن بر احتمال شر بودن چنین شبکه‌هایی مبتنی است. بر اساس تحقیقاتی که انجام شد سانسور اینترنت در ایران را در 4 حوزه نشان می‌دهد: 1- موضوعات مربوط به ایران به ویژه سایت‌های فارسی زبان 2- وبلاگ‌ها و سایت‌های ارائه دهنده خدمات وبلاگی 3- سایت‌های خبری (به سایت‌های فارسی زبان) 4- سایت‌های غیراخلاقی. در اینجا می‌خواهیم ببینیم که اینترنت چه هویتی به لحاظ سیاسی در ایران پیدا کرده است. ما در این مقاله بر بخشی از فضای مجازی که کارکرد جمعی ساز و شبکه شر دارد تاکید می‌کنیم.

الف- شبکه‌های اجتماعی مجازی به مثابه جاسوس

فیس بوک و دیگر ابزارهای فضای مجازی در بدو امر ابزاری ارتباطی‌اند اما در روند استفاده خلاقانه از آن امکان ظهور کنشگری‌های نوین را برای مصرف کنندگان ایجاد کرد. دسترسی به فیس بوک در ایران عملی غیر قانونی است اما جوانان ایرانی از آن همچنان استفاده می‌کنند. ادعاهای کارشناسان و مسئولین ایرانی درباره آمار ایرانیانی که در شبکه اجتماعی "فیس بوک" عضویت دارند، متفاوت است. دامنه این ادعاها از 6 میلیون ایرانی شروع می‌شود و تا به 18 میلیون ایرانی می‌رسد.¹ یکی از مهمترین کارکردهای تهدیدبخشی که برای اینترنت قائل شده‌اند در نظر گرفتن اینترنت به عنوان ابزار مهمی برای جاسوسی است.

«... ظن استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای جمع‌آوری اطلاعات و اشراف اطلاعاتی و یا حتی جاسوسی وقتی تقویت می‌شود که مشاهده می‌کنیم پس از واقعه‌ی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا که تقاطع ضعف دستگاه‌ها و لایه‌های امنیتی ایالات متحده را بیش از پیش آشکار کرد، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی از رشد قابل توجهی برخوردار شدند.»^۲

شبکه‌های مجازی با جهانی سازی همراه شده‌اند و در دنیای اطلاعاتی فضاها چون کانال‌های ارتباطی به یکدیگر وصل هستند. این وصل شدن در تقاطع‌هایی صورت می‌گیرد که امر محلی را به جهانی متصل می‌کند. در نتیجه نظم امر جهانی در امر محلی ظهور و اختلال نظم را ایجاد می‌کند. مفهوم جمع‌آوری اطلاعات در متن بالا با شکل‌گیری مفهوم جاسوس در امر محلی همراه هست و شر بودن اینترنت و شبکه‌های مجازی با شکل‌گیری سیال جاسوس‌ها همراه بوده است. محمدمصدق افراسیابی مسئول ستاد ساماندهی پایگاه‌های اینترنتی ایرانی و خبرگزاری‌های غیردولتی در نشست جنگ نرم، رسانه‌های اجتماعی و جاسوسی عنوان داشت:

1. weblognews.ir/1390/07/forms/news/16504 1388/4/23
2. www.cyberpolice.ir/learning/1331 1390/7/13

« فیس‌بوک در بین شبکه‌های اجتماعی رتبه اول را دارد و ایران در میان اولین رتبه‌های اعضای فیس‌بوک قرار دارد... باید دید که دیتاستر این پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و شبکه‌های اجتماعی کجاست و پشت پرده‌ی حذف برخی سایت‌ها، فیلم‌های صوتی و تصویری و صفحات چیست؟ که در واقع شبکه‌های جاسوسی آمریکا، دیتاستر تمامی این شبکه‌های اجتماعی پرطرفدار هستند.¹»

تقاطع امر جهانی و امر محلی به تنهایی و تنها توسط سوژه‌ها ممکن نیست. یک سوژه در ایران نمی‌تواند یک سوژه جهانی و قادر به رد و بدل اطلاعات باشد بدون اینکه به یک ابژه‌ای چون اینترنت متصل نباشد. به بیانی، تقاطع امر جهانی و امر در ابژه‌ای رخ می‌دهد که آن محل حلول شر می‌شود چون می‌تواند ایده جاسوسی را برای سوژه‌ها بوجود بیاورد. جغرافیای حقیقی یعنی جایی که دیتاستر شبکه‌های مجازی قرار دارد و جغرافیای مجازی جایی است که جغرافیای واقعی در آن سر ریز می‌کند و نتیجه آن این می‌شود که عضویت در شبکه‌های مجازی به پدیده جاسوسی برای خاکی دیگر مفهوم پیدا می‌کند. در سایت پلیس فتا و در مطلبی با عنوان امنیت در شبکه‌های اجتماعی آمده است که:

«اسرار ملی و سازمانی را افشاء نکنید؛ سازمان، شرکت یا مؤسسه‌ای که در آن کار می‌کنید، قطعاً اطلاعاتی را در اختیار شما می‌گذارد که انتظار دارد شما آن‌ها را به صورت محرمانه نزد خود نگه‌دارید. برخی از شبکه‌های اجتماعی نیز طوری طراحی گردیده‌اند که ناخواسته افراد را به ورطه‌ی جاسوسی می‌کشانند.²»

همین طور، آهنگران معاون فنی وزارت اطلاعات با حضور در نخستین همایش ملی دفاع سایبری به این مسئله اشاره می‌کند که:

« شبکه اینترنت عامل تهدید یا ابزار جاسوسی نیست بلکه خود تهدید و خود جاسوس است.³»

تهدید، جاسوس، اطلاعات و امر محرمانه مفاهیمی نیستند که بدون اشاره به جغرافیا معنا پیدا کنند و دلیلی عقلانی برای کنترل آن‌ها وجود داشته باشد. جغرافیا جایی است که یک دیگری در آن به سر می‌برد (جیرارد⁴، 2004: 168).

این جغرافیا در عصر اطلاعاتی از محل فیزیکی خود به محل مجازی نقل مکان کرده است و حلول آن اینترنت است و وقتی جغرافیای مجازی با جغرافیای واقعی در یکدیگر تداخل کنند تنها نتیجه آن می‌تواند حلول شر و به هم ریختگی نظمی باشد که فارغ از یک سوژه سنتی که

1. www.cyberpolice.ir/news/1721 1390/8/1

2. www.cyberpolice.ir/learning/1331 1390/08/13

3. <http://www.alef.ir/vdcaen6e49nyo1.k5k4.html?143933> 1390/11/29

4. Girard

بتواند در نقش یک جاسوس شر شود حال یک ابژه‌ای چون اینترنت خود عامل تهدید و جاسوس می‌شود و در اینجا مفهوم شبه- ابژه معنا پیدا می‌کند.

ب- اینترنت ابزار اغتشاش

شبکه‌های اجتماعی شرایط مادی را بوجود می‌آورند که در آن کنشگران به تبادل اطلاعات و جریان نوین روابط می‌پردازند و تمامی این‌ها موجب اختلال آوری می‌شود یعنی ایده‌های نوینی و متضادی را وارد سیستم می‌کنند که نتیجه‌ی آن اختلال در روابط سیستم هست. در جریان اعتراضات سال 88، اینترنت قطع شد و دسترسی به شبکه‌های اجتماعی از بین رفت. حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات، در سخنانی در بهمن ماه سال 90 گذشته به بررسی «خطرات امنیتی» علیه جمهوری اسلامی گفت:

«شبکه‌های اجتماعی نقشی مهم در اعتراضات بعد از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری داشتند. که معترضان به نتیجه انتخابات از ارتباط اینترنتی برای دعوت مردم به تظاهرات خیابانی استفاده می‌کردند. این وضعیت نشان داد که تهدیدهای جدید، مقابله جدید می‌طلبد. سرویس‌های اطلاعاتی غربی، با استفاده از اینترنت، اطلاعاتی را به کاربران می‌دهند که در واقع چیزی است که می‌خواهند به دیگران القا کنند.»¹

در این مفهوم اینترنت قدرت کنش‌زایی پیدا می‌کند. سوژه‌های اجتماعی می‌توانند خود را سازمان‌دهی کنند و در برابر گفتمان مسلط به تبیین استراتژی دست بزنند. این کنش‌زایی با استراتژی‌های نوین همراه می‌شود و در برابر نظم مورد دلخواه گفتمان اختلال بوجود می‌آورند. این امر در قالب هویت اختلال یا اغتشاش‌گری که مظهر حلول شر هست حلول پیدا می‌کند. در نتیجه، اینترنت شبه- ابژه کنشگری هست که پتانسیل ساز و برگ دادن به سوژه‌ها را بوجود می‌آورد به طوری که آن‌ها بتوانند خود را در برابر گفتمان مسلط تجهیز نمایند و زیست محیطی را شکل دهند که به تعبیر گفتمان مسلط محل حلول شر باشد. فرمانده نیروی انتظامی با تأیید این مطلب که غربی‌ها فیس‌بوک و شبکه‌های اجتماعی را عمدتاً برای اغتشاشات ایجاد کردند، بیان می‌کند:

«کارکرد شبکه‌های اجتماعی در فضای سایبری فقط ارتباطات نیست بلکه عمدتاً اغتشاشات است.»²
«شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک و توییتر امروز قدرت ایجاد کرده و ناراضیان پراکنده، مجرمان و سرویس‌های خارجی را جمع و سازماندهی می‌کنند.»³
معاون وزیر مطبوعاتی وزیر ارشاد نیز معتقد است:

1. http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/05/120511_ka_iran_internet_mobile.shtml 1391/2/22
2. www.rajaneews.com/detail.asp?id=106344 1391/7/22
3. <http://ebrat.ir/?part=news&inc=news&id=31274> 1390/1/16

«تهدیدات این شبکه‌های اجتماعی برای ما بعضاً بیشتر بوده و گاهی اوقات به قصد تخریب و ضربه زدن به نظام ما تاسیس شده‌اند.»¹

همواره وقتی ساز و برگ یک گفتمان در نظم ریشه می‌دواند مفهوم تغییر و ظهور ایده‌های نوین امر پروبلماتیک و مسئله ساز می‌شود از این رو باید نسبت به ظهور آن‌ها نظارت کافی داشت. اینترنت و شبکه‌های مجازی امکان ظهور ایده‌های نوین و تغییرات را بوجود می‌آورند و به علت ماهیتی که کنترل بر آن‌ها با سختی‌های خودش همراه هست همواره در مقام اتهام برای حلول شر قرار دارند. شر، هیولایی است که وارد جمع می‌شود و شیاطین روح جمعی را برای تخریب امر مقدس بسیج می‌کند. این امر مقدس همان نظمی است که باید آن را مورد محافظت قرار داد. شبهه- ابژه اینترنت میانجی برای ظهور چنین هیولایی در میانه روح جمعی است.

د- اینترنت و گسترش فحش‌های فرهنگی

یکی از مواردی که به مفهوم حضور ناهمگون شبهه- ابژه‌ی اینترنت و در قالب شبکه‌های اجتماعی لحاظ می‌شود شکل یافتن ایده فحشا و بی‌بند و باری فرهنگی است که سیستم در مقابل آن مفهوم اینترنت پاک را ایجاد می‌کند. علی حکیم جوادی (معاون وزیر ارتباطات) در ارتباط با اینترنت پاک بیان می‌کند:

«این نوع اینترنت شامل حذف محتویات ناسالم اخلاقی، محتویات مشوق کفر و الحاد، محتویات مشوق جرم و جنایت، تفرقه برانگیز، ناامیدکننده و غیره است.»²

اینترنت پاک و مقدس خود گویای اینترنت شر هست. دوگانه انگاری اینترنت پاک/ شر چیزی است که در یک تمایزگذاری بوجود می‌آیند. این تمایزگذاری در نظر لاتور³ (1997) به مفهوم پاک سازی⁴ می‌باشد. پاک سازی مفهومی است که بر اساس آن چیزها از هم جدا می‌شوند و انتخابی صورت می‌گیرد که امر مقدس وارد مناسبات اجتماعی می‌شود. این امر مقدس نگهدارنده جمع هست که رانسیر⁵ (2004) از آن به عنوان حس مشترک یاد می‌کند. حس مشترک امر مقدس هست که از راه کار پاک سازی بدست می‌آید. اینترنت محل حلول شری است که برای حس مشترک ایده هویت‌های غیر متعارف، جاسوس، اغتشاش‌گر و در مجموع کفر را به نظر می‌آورد. کفر همان شری است که در ادبیات دینی منکر کننده امر مقدس هست. امر مقدس همان نظم یا روح جمعی است که شبهه- ابژه اینترنت در تداخل‌ها انکار کننده آن می‌شود. بر مبنای چنین گفتمانی، فقه به مثابه دستگاه مراقبتی شریعت که در جامعه سنتی

1. www.medianews.ir/fa/2011/06/03/ershad-sn.html 1390/09/11

2. www.cyberpolice.ir/news/3061 1390/10/14

3. Latour

4. Purification

5. Ranciere

همه سطوح رفتاری جامعه اسلامی را پوشش داده است اینک حریم زندگی مجازی را پوشش می‌دهد. برای مثال مسئول ستاد ترویج احکام حجت‌الاسلام محمد حسین فلاح زاده معتقد است:

«امروزه، هیچ پرسش فقهی بدون پاسخ نیست... اینترنت و چت، مانند موبایل، از ابزارهای ارتباطی هستند؛ بنابراین، اگر احکام چت گفته شد، احکام اینترنت و موبایل نیز مشخص می‌شود... اگر مطالب مکتوب و گفتار حرام و تحریک‌کننده نباشد و مقسده نداشته باشد، جایز است بنابراین، کارهای حرام از قبیل دروغ، تهمت و تحریک شهوت، در اینترنت مانند گفتار و نوشتار حرام است و همچنین از روش‌های ارتباط دیداری، دیدن فیلم، عکس و شخص نامحرم است، نگاه به تصویر باحجاب، بدون قصد لذت و مقسده اشکال ندارد، درباره غیرمسلمان بدون حجاب، اگر قصد لذت نباشد، اشکال ندارد.¹»

مسئله در مورد گفتمان مسلط این هست که فضا تا جای ممکن یکدست باقی بماند و چیزی وارد کانال‌های ارتباطی آن نشود. این کانال‌های ارتباطی چیزی است که در آن امکان تداخل و ظهور امر نوین به وقوع می‌پیوندد، در نتیجه همان قوای که برای سر و سامان دادن به محیط واقعی به کار می‌رود به فضای مجازی نیز صادر می‌شوند و نظم جمعی در صدد آن است تا فضای مجازی را با دوگانه انگاری خیر/شر و در نتیجه سوژه‌های خیر و شر پاک سازی نماید. سردار هادیانفر رئیس پلیس فتا:

«مأموران پلیس فتا موفق شدند شبکه اجتماعی پاف و داف با ۲۷ هزار عضو را که ترویج دهنده فحشاء و فساد در فیس بوک بود شناسایی کنند. این شبکه که در طول فعالیتش توانسته بود ۲۷ هزار نفر را جذب کند با تلاش بی وقفه پلیس فتا منهدم شد و چهار سرکرده آن از جمله دو مرد و دو زن با کار شبانه روزی شناسایی و دستگیر شدند.²»

آقای ریاضی دبیر شورای عالی فناوری اطلاعات:

«... همان طور که وزارت بهداشت از شیوع ویروس آنفلوآنزای مرغی یا سایر بیماری‌ها جلوگیری می‌کند، فیلترینگ نیز مانند همین مساله است و باید درهای مملکت را در مقابل ورود مسایل ضد اخلاقی و فسادآمیز در زمینه‌های مختلف ببندیم.³»

برخورد پلیسی با مجرمین تا دهه هفتاد در ایران یک پدیده‌ای بود که در خیابان‌های شهر صورت می‌گرفت. در دهه هشتاد و به ویژه بعد از حوادث سال 88 ما با مجرمین مجازی مواجه شدیم. مجرمینی که نه به خاطر جرم‌های متعارف و شناخته شده بلکه به دلیل دست زدن به جرم‌هایی نوین به عنوان شرور شناخته می‌شدند. شرور تنها در محل شر می‌تواند رشد و نمو

1. www.rajaneews.com/detail.asp?id=92873

2. <http://asrjavan.com/1390/11/1> پلیس فتا مدیران صفحه‌ای در فیس‌بوک

3. <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2467136>

پیدا کنند. همانند انگل‌هایی¹ (سرس، 1982) که در بدن میزبان رشد می‌کنند و بعد از در سیستم ارگانیک آن اختلال ایجاد می‌کنند. ظهور تدریجی شرور در فضای مجازی همان حلول شر است که ضرورت ادبیات فرهنگی اینترنت پاک و برخورد پلیسی با این مجرمین را تشدید می‌کند.

نتیجه گیری

ایده‌ها برای به واقعیت رسیدن و مورد تجربه قرار گرفتن به میانجی‌هایی نیاز دارند. شبه-ابژه‌ها میانجی‌هایی هستند تا ایده‌ها جسمیت پیدا کنند. با هر ایده نوینی ابژه‌های نوین پدید می‌آیند و این امور نوین نظم را دچار تغییر می‌کنند و این تغییرها برای سیستم می‌توانند به شکل گسست معنا پیدا کنند، گسستی که به حلول شر مفهوم پیدا می‌کند. از این رو وقتی ایده‌ها از محلی که هستند آرام، آرام به سمت امر کلان و فراگیر پیش می‌روند برای سیستم و نظم آن دردسر ساز و مسئله مند می‌شوند. از این دیدگاه تقلید فرایندی است که ایده‌ها به مرور در دل گفتمان مسلط بزرگ‌تر و بزرگ‌تر بشوند.

به واسطه شبه-ابژه اینترنت جوانان در شبکه‌های مجازی تصاویری از خود و زندگی شخصی‌شان را به طور گسترده‌ای پخش می‌کنند و یا اطلاعات را در مورد مسائل روز بین هم به اشتراک می‌گذارند. این فضای اشتراکی شکلی از زندگی قبیله‌ای است با رسوم مربوط به خودش که همه چیز در حد وسیعی در گردش است و آثار این فعالیت را می‌توانیم در محیط واقعی و در طول زندگی روزمره پی‌گیری نماییم. اینترنت واسطه‌ای هست تا توسط آن جوانان ایرانی هویت جمعی و هویت جهانی پیدا کردن را تجربه کنند. ظهور اینترنت در ایران و عضویت در شبکه‌های مجازی این شوق را در سطح جوانان و دیگر کنشگران بوجود آورد تا این فضای نوینی از فعالیت را تجربه کنند و با زیاد شدن کمیتی کنشگران، سیستم نیز به مرور زمان به ظهور این نیروهای نو ظهور آگاهی پیدا می‌کند و آرام آرام شروع به طرح ریزی شکل‌های متفاوت برخورد با آن از فیلترینگ تا تشکیل پلیس فتا را تشکیل می‌دهد. در نتیجه برای مطالعه تغییرات فرهنگی و ظهور «ما»های نوین می‌باید فرایند ظهور و افول شبه-ابژه‌های ابداعی و مورد مصرفی آن‌ها را مورد تحلیل قرار داد. از این‌رو به یک دیدگاه مابعد-انسانی² نزدیک می‌شویم و انسان در رابطه با غیر-انسان‌ها قرار داده می‌شوند و به تعریفی از کنشگری می‌رسیم که انسان برای اجرای ایده‌های خود به ایجاد شبه-ابژه‌ها و مصرف نوینی از آن‌ها دست می‌زند. محمد جعفر محمدزاده معاون امور مطبوعاتی و

1. Parasit

2. Post humanism

اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دیدارش از موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان گفت:

«باید دانست در حال حاضر اینترنت کشور ما نیازمند سالم‌سازی و یا به عبارتی اینترنت پاک است تا به میانه‌جی آن دغدغه خانواده‌ها برای رجوع به این فضا رفع شوند.¹»

حلول شر در اینترنت حاصل تداخل امر جهانی و امر محلی هست. امر جهانی وقتی در قالب‌های مختلف در امور روزمره امر محلی تداخل می‌کند شکل‌های ممکن از بودن را شکل می‌دهند که هویت‌های نوین ظهور پیدا می‌کنند. تداخل امر جهانی در امر محلی فرایندی بدون میانه‌جی نیست. بلکه جهان امروزین در حوزه میانه‌جی‌ها (طاهری کیا، 1391) و شبه-ابژه‌هایی قرار گرفته است که به شکل میانه‌جی در بین روابط محلی و جهانی قرار گرفته‌اند. اینترنت میانه‌جی هست که امر جهانی در امر محلی تداخل می‌کند و نظم جمعی را با امور نوینی مواجه می‌سازد که دارای جنبه‌های متفاوتی هست. این جنبه‌ها هم مثبت و هم منفی هستند اما تمرکز این مقاله بر جنبه‌های منفی هست که از طرف گفتمان مسلط تعبیر می‌شوند و در برابر نظم جمعی قرار می‌گیرند که گفتمان مسلط حیات خود را در گرو تثبیت آن می‌بیند. این شرایط است که در طی فرایند پاک‌سازی دوگانه‌سازی خیر و شر ساخته می‌شوند و اینترنت محل حلول شر می‌شود. فساد اخلاقی، جاسوسی‌گری، ظهور هویت‌ها و روابط نامتعارف شاخص‌هایی هستند که از طرف گفتمان ضرورت عقلانیت قانون‌گذاری، تشکیل پلیس ویژه، اینترنت پاک و تشکیل نهادهای مربوطه را ایجاب می‌کند. عقلانیتی که اینترنت را محل حلول شر برای به آشوب کشیدن نظم گفتمان می‌داند. برای جمع‌بندی می‌توان به سخنان حمیدرضا مقدم فر معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کارشناس رسانه و مسایل استراتژیک اشاره داشت که تمامی این موارد به شکلی بیان نموده است:

«اساسا امروز ما در شرایطی قرار داریم که دشمنان انقلاب اسلامی ایران از طریق فضایی به نام جنگ نرم با ابزار و فناوری‌های روز در فضای سایبر (مجموعه‌ای از فضای ماهواره و اینترنت) تلاش دارند که به نظام اسلامی آسیب برسانند و آن را دچار فراموشی و یا فروپاشی از درون کنند... دشمن سعی کرده از طریق اینترنت آسیب‌هایی را به کشور ما وارد کند برای مصداق عینی این موضوع را می‌توانیم به فتنه ۸۸ اشاره کنیم که بخشی از آسیب‌ها و لطماتی که دشمن تلاش داشت به نظام جمهوری اسلامی ایران وارد کند از طریق ابزار اینترنت بود... وزیر خارجه آمریکا اعتراف کرد که یکی از ابزارهای مهم ما برای تشدید آشوب‌ها در ایران فیس بوک و تویتر بوده و آنان صریحا اعلام دارند که از این شبکه‌های اجتماعی و نوین برای ایجاد آشوب در ایران بهره‌گیری کردند²».

1. <http://isna.ir/fa/print/9003-07374/1391/08/18>

2. www.khabaronline.ir/detail/2043721390/12/27

منابع

- استراوس، انسلم و کریبن، جولیت (1391) مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- راسل، برتراند (1382) شرح انتقادی فلسفه‌ی لایبنتس (ترجمه ایرج قانونی)، تهران: نشر نی.
- حافظ نیا، محمد رضا (1387) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت.
- صانعی دره بیدی، منوچهر (1382) فلسفه لایبنتس، تهران: نشر ققنوس.
- نورث وایتهد، آلفرد (1373) شیوه‌های فکر (ترجمه علی شریعتمداری)، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- طاهری کیا (الف)، حامد (1391) «گذار از مفهوم گفتمان به حوزه میانجی: فوکو، رژیو دبری و نقش اجتماعی ایزه‌ها»، فرهنگ جامعه رسانه، سال اول، شماره 1.
- فلیک، اووه (1387) درآمدی بر تحقیق کیفی (ترجمه هادی جلیلی)، تهران: نشر نی.
- شیرازی، علیرضا (1390) (مدیر سایت وبلاگ بلاگفا)، «نقدی بر صفحه جدید فیلترینگ»، نوشته شده در وبلاگ علیرضا شیرازی، 16 فروردین،
<http://shirazi.blogfa.com/post-281.aspx>
- شفاعتی، مهدی (خبرنگار) (1390) «نظرسنجی هفتم وبلاگ نیوز و میزان کاربران ایرانی «فیس بوک»، سایت خبرگزاری وبلاگ نیوز، 12 مهر.
- <http://weblognews.ir/1390/07/forms/news/16504/>
- سایت هرمان، بلاخره از دست اون صفحه سفید فیلتر خلاص شدیم، به گزارش سایت خبرگزاری کلمه، 10 فروردین، 1389
<http://horman.ir/?p=3821%2010/1/1389>
- سایت الف، رتبه ایران در خاورمیانه از نظر نفوذ اینترنت، 26 آذر، 1388
<http://alef.ir/vdcfjvdt.w6d10agiiw.html?59624>
- به گزارش خبرگزاری فارس، «پژوهشکده حجاب و عفاف راهاندازی می‌شود»، 14 شهریور 1390
<http://www.rajanews.com/detail.asp?id=100845>
- سایت خراسان شمال، «تشکیل شورای عالی فضای مجازی و انتصاب اعضای حقیقی و حقوقی آن»، 17 اسفند، 1390
<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=19225>
- سایت پلیس فتا، «امنیت در شبکه‌های اجتماعی»، 13 مهر، 1390
www.cyberpolice.ir/learning/13311390/08/1
- سایت بی.بی.سی، «اجبار برای استفاده از ایمیل ملی»، محدودیت ارتباطی ایرانیان، 22 اردیبهشت، 1391
http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/05/120511_ka_iran_internet_mobile.shtml
- محمد زاده، محمد جعفر (معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد)، «شبکه‌های اجتماعی به شرط بومی شدن خوب هستند»، به گزارش خبرنگار رسانه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، دیدار از موسسه تبیان، 18 مهر، 1391
- <http://isna.ir/fa/print/9003-07374/>
- احمدی مقدم، اسماعیل (فرمانده نیروی انتظامی)، «گفتگو با امین جامعه»، 16 فروردین، 1390
<http://ebrat.ir/?part=news&inc=news&id=31274>
- سایت پلیس فتا، «القبای امنیت آنلاین برای نوجوانان 13 تا 19 ساله»، 13 مهر، 1390

- سایت پلیس فتا، «اینترنت ابزار جاسوسی و جنگ نرم»، 11 آبان، 1390
<http://www.cyberpolice.ir/learning/1311>
- جعفر محمدزاده، محمد (معاون مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، «وزارت ارشاد از شبکه‌های اجتماعی مجازی بومی حمایت می‌کند»، خبرگزاری مهر، دیدار از موسسه تبیان، 13 خرداد، 1390
<http://www.medianews.ir/fa/2011/06/03/ershad-sn.html>
- کاظمی، تورج (معاون مبارزه با جرایم پلیس فتا)، «ممکن است فیس بوک به زودی رفع فیلتر شود»، در گفت و گو با روزنامه روزگار 11 تیر، 1390
<http://itna.ir/vdcdz90f.yt0jn6a22y.html>
- احمدی مقدم، اسماعیل (فرمانده نیروی انتظامی)، «روایت احمدی مقدم از فیس بوک و توئیتر»، گفت و گو با روزنامه روزگار، 16 فروردین، 1390
<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/37808>
- مؤمن نسب، روح الله (مدیر واحد اینترنت وزارت ارشاد فیلترینگ)، «فیلترینگ در ایران کاملاً دموکراتیک است»، در گفت و گو با ندای انقلاب، 5 مهر، 1391
<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2467136>
- مؤمن نسب، روح الله (مدیر واحد اینترنت وزارت ارشاد)، «گوگل پلاس از خطرناکترین شبکه‌های اجتماعی است»، به گزارش خبرنگار مهر، سخنرانی در پنجمین همایش بزرگداشت هشت ماه نبرد سایبری، 29 مرداد، 1390
- آهنگران، سعید (معاون فنی وزارت اطلاعات)، «سخنرانی در نخستین همایش ملی دفاع سایبری»، به گزارش خبرگزاری فارس، نخستین همایش ملی دفاع سایبری، 29 بهمن، 1390
<http://www.alef.ir/vdcaeen6e49nyo1.k5k4.html?143933>
- مؤمن نسب، روح الله (مدیر واحد اینترنت وزارت ارشاد)، «فیلترینگ ایران دموکراتیک است»، گفت و گو با ندای انقلاب، 22 اسفند، 1390
<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2467136>
- سایت پلیس فتا، «هشدار پلیس فتا درباره فیلترشکن»، 14 دی، 1390
<http://www.cyberpolice.ir/news/3061>
- خبرگزاری فارس، «چرا شورای عالی فضای مجازی؟»، 29 اسفند، 1390
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13901228000509>
- باشگاه خبرنگاران، «شراف کامل پلیس به فیس بوک»، 3 بهمن، 1390
<http://rajanews.com/detail.asp?id=114517>
- حسین فلاح زاده، حجت‌الاسلام محمد (مسئول ستاد ترویج احکام)، «حکم چت تصویری با نامحرم در اینترنت»، به گزارش مهر، 2 خرداد، 1390
<http://www.rajanews.com/detail.asp?id=92873>
- هادیانفر، سیدکمال (رییس پلیس فتا)، «انهدام باند پاف و داف در فیس بوک»، خبرگزاری آریا، نشست خبری به مناسبت یک سالگی پلیس فضای سایبر، 10 بهمن، 1390
<http://www.khabaryaab.com/News/518930>
- مطهری، علی (عضو کمیسیون مخابرات مجلس شورای اسلامی)، «مجلس شورای اسلامی از شورای عالی فضای مجازی حمایت می‌کند»، به نقل از خبرگزاری ایرنا، 23 فروردین، 1391
<http://www.khabaronline.ir/print/207518/ict/internet>

- Diprose ,R. (2009). Toward An Ethco-Politics Of The Posthuman: Foucault And Merleau-oponty. number 8 ,7–19, from parrhesiajournal. org
- Girard.R. (2004). Les origines de la culture. Paris, Desclée de Brouwer
- Jupp,V. (2006), The Sage Dictionary of Social Research Methods, London, SAGE Publications
- Kinnunen, J. (1996). Gabriel Tarde as a Founding Father of Innovation. [Electronic version]. Diffusion Research,Vol. 39, No. 4: 431-442
- Latour,B. (1997). Nous n'avons jamais été modernes. Paris, La Découverte
- Milet, J. (1972). Gabriel Tarde et la psychologie sociale. [Electronic version]. Revue française de sociologie, Vol. 13, No. 4: 472-484
- Papoulias,C. (2004). Of Tools and Angels: Régis Debray's Mediology. [Electronic version]. Theory Culture Society, 21: 165
- Ranciere.j (2004), "The Politics of Aesthetics", (Gabriel Rockhill, Tarns), Great Britain, Continuum press
- Schillmeier, M. (2009). The social, cosmopolitanism and beyond. [Electronic version]. History of the Human Sciences: 22: 87
- Serres, M. (1982). The Parasite. (L. R. Schehr, Trans.). [Electronic version]. Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press. (Original work published 1980)
- Stake, R. E. (1995). The art of case study research. Thousand Oaks, CA: Sage Publications
- Tarde, G. (1903). Laws of imitayion. (E. C. Parsons, Trans.). [Electronic version]. New York: Henry Holt an Company. (Original work published 1890)
- Tosti, G. (1897). The Sociological Theories of Gabriel Tarde. [Electronic version]. Political Science Quarterly, Vol. 12, No. 3: 490-511
- *WRITING QUALITATIVE RESEARCH REPORTS*. 3, 8, 2001, from <http://www.aect.org/edtech/ed1/40/40-04. html>
- *Writing up Qualitative Findings*. 19-22, 6, 2006, from http://www.nswphc.unsw.edu.au/pdf/ShortCourseApr2007/Writing%20up%20qual%20findings_April%2007_VT. pdf